



## نقش آفرینی سازمانهای غیردولتی ایران و جهان در حوزه محیط زیست

فائزه هاشمی<sup>۱</sup>، حسن صدیقی<sup>۲</sup>، محمد چیدری<sup>۳</sup>، عنایت عباسی<sup>۴</sup>

### چکیده

با ماشینی شدن زندگی انسان و پیشرفت‌های تکنولوژیک وی، زمینه مهار بیشتر طبیعت فراهم گردید. از آن پس انسان به عنوان ارباب بلامنازع طبیعت ظاهر گشت و برای دستیابی به اهداف و رفع نیازهای رو به رشد خود راه چپاول طبیعت را در پیش گرفت. در نتیجه رابطه انسان و طبیعت از یک رابطه متعادل و برابر به رابطه‌ای نابرابر تبدیل شد که در آن انسان حاکم طبیعت شناخته می‌شد، به طوری که امروزه تخریب محیط زیست به بحرانی جهانی تبدیل شده که روز به روز بر عمق و دامنه این بحران افزوده می‌شود. از آنجاکه انسان‌ها عامل تخریب محیط زیست هستند، پس صرفاً خود آن‌ها هستند که می‌توانند در پیشگیری از تخریب و آلودگی مؤثر واقع شوند. سرعت تخریب محیط زیست می‌تواند به گونه‌ای ساده با جلب مشارکت مردم در قالب تشکلهایی سازمان‌یافته به مرور کاهش یافته و برطرف گردد. نقش مردم همیشه با سازمان‌های غیردولتی آغاز می‌شود. سازمان‌های غیردولتی از شهروندان علاقمند و متخصصان مربوطه تشکیل می‌شوند. کارشناسان سازمان‌های غیردولتی می‌توانند به عنوان مشاوران مقامات محیط‌زیستی و همچنین به عنوان معلمان در برنامه‌های آگاهی‌دهنده عمومی برای جامعه مورد استفاده قرار بگیرند. نقش این سازمان‌ها چه به صورت رسمی و چه به صورت غیررسمی در نظارت بر محیط‌زیست در حال حاضر بسیار گسترده و وسیع است. دولت می‌تواند بخشی از وظایف خود را درباره مدیریت بر منابع عمومی به سازمان‌های غیردولتی تفویض کند. در مقاله پیش‌روی سعی بر آنست که تجارب کشورهای مختلف در خصوص نقش سازمان‌های غیردولتی در حوزه محیط زیست مورد تحلیل قرار گرفته و وضعیت کشور ایران نیز از این لحاظ مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: سازمان‌های غیردولتی، محیط‌زیست، ایران، جهان

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

<sup>۲</sup> استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

<sup>۳</sup> استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

<sup>۴</sup> استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس



## مقدمه

از زمانی که بشر پای بر روی کره خاکی گذارده است، تعامل مداوم و پایداری بین او و جهان طبیعی برقرار بوده است. اما با رشد جمعیت و دستیابی به اختراعات و کشفیات جدید علمی که او را به سوی صنعتی شدن رهنمون می‌کرد به موجودی غارتگر تبدیل شد، که هر روزه با افزایش تقاضا از طبیعت به تخریب منابع آن پرداخت (شپیری و همکاران، ۱۳۸۹). به نحوی که طی ۳۰ سال اخیر، شرایط به گونه‌ای پیش رفت که به واسطه درک پیامدهای بلندمدت موضوعات زیست‌محیطی در زندگی انسانها، اهمیت بحث در این مورد رو به فزونی گذاشت (Budak, ۲۰۰۵). در واقع، بحران محیط زیست امروزه یکی از مهم‌ترین گرفتاری‌های بشر به شمار می‌رود که توجهات بسیاری را در سطح جهانی به خود معطوف داشته است. رویارویی با این بحران، بیش از پیش مشارکت مردمی را می‌طلبد و به لحاظ اهمیت این امر است که سازمان‌های غیردولتی و تشکلهای مردمی زیست‌محیطی در سراسر جهان شکل گرفته‌اند تا این مشارکت را جهت‌دهی و هدایت کنند.

همه معاهدات زیست‌محیطی از جمله اصل ۱۰ بیانیه کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه در ریودوژانیرو (برزیل، ۱۹۹۲) دستور کار ۲۱ و بیانیه جهانی توسعه پایدار در ژوهانسبورگ (آفریقای جنوبی، ۲۰۰۲) در اجرای مدیریت محیط زیست بر مشارکت های مردمی تأکید فراوان می‌کنند.

بعضی از کشورها مانند فرانسه و سوئیس در این حوزه پیشگام بوده‌اند؛ به نحوی که بیش از یک قرن است که وضعیت این سازمان ها را به حیطةی قانونگذاری درآورده‌اند. برای مثال فرانسه با تصویب قانون مربوط به انجمن‌ها در اول ژوئیه ۱۹۰۱ تلاش کرد تا شکل‌گیری و تأسیس این سازمانها را نظام‌مند کند. ماده‌ی یک این قانون اشعار می‌دارد: انجمن قراردادی است که طبق آن دو یا چند شخص دانسته‌ها و فعالیت‌های خود را به طور دائمی در راه نیل به هدفی غیر از کسب منفعت در میان می‌نهند (Loi relative au contrat d'association, ۱۹۰۱).

این قانون به مثابه‌ی سنگ بنای شکل‌گیری و تأسیس سازمانهای غیردولتی در نظام حقوقی فرانسه تلقی شده و بستر مناسبی را برای مشارکت این سازمانها فراهم آورده است.

در فرانسه سازمانهای غیردولتی بسیاری در حوزه‌های مختلف از جمله محیط زیست فعال هستند؛ این امر نشان‌دهنده‌ی اهمیت موضوع محیط زیست و همچنین وجود بستر مناسب و تعریف شده‌ی قانونی برای شکل‌گیری و تأسیس این سازمانها است. علاوه بر قانون ۱۹۰۱، قوانین دیگری مانند قانون محیط زیست فرانسه مصوب ۲۰۰۵ به طور مستقیم به نقش انجمنهای حافظ محیط زیست توجه کرده و مشارکت آنها را در اقدامات نهادها و ارگانيسم های عمومی مربوط به محیط زیست و مراجع اداری و قضایی تجویز می‌کند (Code del'environnement, Art. L ۱۴۱ et L ۱۴۲).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در زمینه‌ی حفظ محیط زیست و همچنین مشروعیت ایجاد و فعالیت سازمانهای غیردولتی دو اصل مهم پیش‌بینی شده است. در اصل پنجاهم این قانون حفاظت از محیط زیست یک وظیفه‌ی عمومی تلقی گردیده است. ضمن این که فعالیت‌هایی که موجبات آلودگی یا تخریب و نابودی محیط زیست را فراهم می‌آورد، ممنوع شده است. به موجب این اصل همه‌ی مردم ایران مؤظفند در جهت حفاظت و حمایت از محیط زیست خود اقدام کنند؛ بر این اساس، تأسیس و شرکت در سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی و عضویت در آنها، می‌تواند در راستای اصل پنجاهم قانون اساسی و در جهت حفظ محیط زیست و توسعه‌ی پایدار تلقی شود.

دومین اصلی که بر اساس آن ایجاد و فعالیت سازمانهای غیردولتی استنباط می‌شود، اصل بیست و ششم قانون اساسی است. مقنن با اقتباس از اصل آزادی اجتماعات مندرج در ماده‌ی ۲۰ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در اصل مذکور مقرر می‌دارد که «احزاب، جمعیتها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰).

بر این اساس می‌توان گفت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شکل‌گیری و فعالیت سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی به صورت ضمنی و صریح اشاره شده است.

از این منظر این سازمانها، به طور کلی به عنوان سازمانهای واسطه بین دولت و مردم عمل می‌کنند و بخشی از حوزه عمومی در هر کشور به شمار می‌آیند.



بنابر تعریف سازمان ملل متحد اصطلاح سازمان غیردولتی به هر گروه سازمانی، غیرانتفاعی و داوطلبانه از شهروندان جهانی اطلاق می‌شود که در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی تشکیل شده باشد. به هر روی سازمانهای غیردولتی اغلب شامل انواع گسترده‌ای از سازمانها و سازمان‌یابی‌های اجتماعی از جنبش‌های اجتماعی گرفته تا گروه‌های فشار از طریق باشگاه‌ها و سایر اشکال انجمن‌های مدنی می‌باشند. آنها نظرات و ارزیابی‌های کارشناسی خود را ارائه می‌دهند و به مثابه مکانیسم هشداردهنده عمل می‌کنند و در اجرای توافقنامه‌های بین‌المللی همکاری و نظارت دارند.

سازمان حفاظت محیط زیست سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی را دسته‌ای از این گونه سازمانها می‌داند که در راستای اهداف زیست‌محیطی فعالیت می‌کنند. از این منظر، «سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی به کلیه تشکلهای غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی اطلاق می‌شود که حاصل تشکل اشخاصی حقیقی به طور داوطلبانه و به گونه سازماندهی شده است. این تشکلهای با اساسنامه‌ای مدون و پس از ثبت در مراجع رسمی کشور به عنوان یک شخصیت حقوقی جهت تحقق هدفها و آرمان‌های مشترک در زمینه حمایت و حفاظت از محیط زیست به فعالیت در سطح شهرهای کشور و در صورت امکان در سطح بین‌المللی می‌پردازند (رشیدپور، ۱۳۸۲).

در سال‌های اخیر طیف گسترده‌ای از مدعیان و محققان عنوان کرده‌اند که سازمانهای غیردولتی می‌توانند در توسعه حفاظت از محیط توسعه نقش مهمی بازی کنند (Wright and Andersson, ۲۰۱۳).

سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی نقش مؤثری در تحقق اهداف حفاظت از محیط زیست، کاهش آلودگی و ترمیم خسارات زیست‌محیطی دارند. این سازمانها دارای مأموریتی ویژه در راستای تغییر اجتماعی و کار با افراد داوطلب هستند (Allison, ۲۰۰۲).

سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی در مدیریت منابع طبیعی نیز ایفاگر نقش مهمی هستند (Wright and Andersson, ۲۰۱۳). این سازمانها که از یک سو، به علت ضرورت جامعه مدنی به وجود آمده‌اند و نقش آنها در بدو امر، آگاه سازی عمومی از مسائل زیست‌محیطی است به نوعی ناظر بر عملکرد دولت در کارهای زیست محیطی نیز محسوب می‌شوند (بلمکی، ۱۳۸۳). این تشکلهای از طریق مشارکت نهادینه شده، برنامه‌ریزی مشترک محیط‌زیستی، برنامه‌ریزی زیست‌محیطی جامعه‌محور، مدیریت مشارکتی و مشارکت بخش دولتی و خصوصی در سیاست‌گذاری‌های زیست‌محیطی نقش‌آفرینی می‌کنند (Morrison & Lane, ۲۰۰۶).

در واقع، امروزه مشارکت مردمی به عنوان یکی از ارکان مهم در مدیریت محیط زیست و برنامه‌های توسعه پایدار در کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته است. یکی از معیارهای بررسی مشارکت‌های مردمی، تعداد اعضا در سازمانهای مردم نهاد زیست محیطی می‌باشد. این معیار در مورد برخی کشورهای جهان بر حسب درصد اعضا از کل جمعیت کشور در جدول ۱ ذکر شده است (رجب‌زاده، ۱۳۸۷).



جدول ۱- تعداد اعضای سازمان های مردم نهاد زیست محیطی در برخی کشورهای جهان

کشور	تعداد اعضا(درصد از کل جمعیت)	کشور	تعداد اعضا(درصد از کل جمعیت)
آرژانتین	۱۶	چین	۱۲
آفریقای جنوبی	۱۲	دانمارک	۲۰
آلمان	۲۸	روسیه	۱۶
اتریش	۱۷	ژاپن	۱۹
استرالیا	۱۳	سوئد	۱۸
امارات متحده عربی	۶	عراق	۱۱
اندونزی	۱۲	عمان	۱۶
انگلستان	۲۲	فرانسه	۲۹
ایالات متحده آمریکا	۲۱	فنلاند	۲۰
ایتالیا	۲۰	فیلیپین	۱۱
ایران	۱۲	کامرون	۱۵
برزیل	۱۹	کانادا	۱۷
بلژیک	۱۹	کره جنوبی	۱۷
ترکیه	۸	هلند	۲۲
نروژ	۱۵	هندوستان	۱۸

### سازمان های غیردولتی زیست محیطی در آسیا

سازمان های غیردولتی زیادی در زمینه حفاظت از محیط زیست در آسیا وجود دارند که در سطح ملی و محلی مشغول به فعالیت هستند. این سازمانها برای نیل به اهداف خود از ابزارهای مختلفی استفاده می کنند.

در چین سازمانهای غیردولتی زیست محیطی یکی از انواع فعال سازمانهای غیردولتی هستند (Li, ۲۰۰۶) که با تحریک جنبش های مدنی در کشور ایجاد شده اند (Lee, ۲۰۰۷). مطالعات نشان داده اند که این تشکل ها در چین، مذاکرات شهروندان با دولت های محلی را افزایش می دهند و بطور موفقیت آمیزی مشارکت مدنی در حفاظت از محیط زیست را سازماندهی می کنند (Saich, ۲۰۰۰).

از زمانی که اولین سازمان غیردولتی زیست محیطی در چین در سال ۱۹۹۴ ثبت شد، بسیاری از سازمانهای غیردولتی به وجود آمدند اما با توجه به رشد جمعیت تعداد آنها کم بود. پکن سبزتر یکی از این مؤسسات در چین است که از طریق اینترنت شروع به فعالیت نموده است. این مؤسسه خود را به عنوان سریعترین و فعالترین سازمان زیست محیطی با بیش از ۲۰۰۰ نفر داوطلب در چین از دیگر سازمانها متمایز ساخته است. وب سایت پکن سبزتر در سال ۱۹۹۸ با توجه به مشکلات زباله های شهری و آلودگی باتری های مصرف شده ایجاد شد. آنها سعی کردند با استفاده از وب وسایت توجه مردم را به خطر انقراض بز کوهی تبت جلب کنند. آنها تلاش می کردند در خصوص کاهش مواد زائد جامد ایجاد آگاهی کنند. خوانندگان پاپ نیز به عنوان سفیر سبز برای تأمین منافع عمومی تلاش می کردند.

تا سال ۲۰۰۵، ۲۷۶۸ سازمان غیردولتی زیست محیطی در چین ثبت شده بود (Tang & Zhan, ۲۰۰۸). به علاوه مطالعات نشان داده است که آگاهی های زیست محیطی بواسطه فعالیت آنان در نسل جوان چشمگیرتر از نسل های قبل است. در محیط های دانشگاهی به طور ویژه بر اساس پیمایشی که در اواسط سال ۲۰۰۰ انجام شد، در میان ۱۷۶ دانشگاه در ۲۶ استان، حداقل یک گروه حفاظت محیط زیست دانشگاهی در هر دانشگاه وجود داشت (Hongyan, ۲۰۰۴).

در ۵ سال گذشته از زمانیکه سازمانهای غیردولتی زیست محیطی فرصت بیشتری برای مشارکت در آموزش رسمی عمومی و آموزش غیررسمی زیست محیطی مدارس یافته اند، بسیاری از آلودگی های جدی زیست محیطی بوسیله رسانه های عمومی کاهش یافته است و آگاهی شهروندان نیز در این زمینه به مقدار زیادی افزایش یافته است. تعدادی از روشنفکران در مورد حفاظت از محیط زیست ابراز نگرانی کردند و تلاش کردند تا مردم را از آلودگی های زیست محیطی همچون آلودگی آب، کاهش تنوع زیستی، مسائل مربوط به



ضایعات آگاه سازند (Jia-nan, ۲۰۱۲). این روند از یک آینده روشن برای سازمانهای غیردولتی چین و مشارکت فعال آنها در خدمات زیست محیطی خبر می‌دهد.

بنیاد محیط زیست با مسئولیت محدود (EFL) یک سازمان غیردولتی در سریلانکا است که در سال ۱۹۸۱ با مقدار ناچیزی پول و تعداد انگشت شماری دانش آموز با حفاظت و دیده بان‌های جزیره شروع به فعالیت کردند و در میان افرادی که به قوانین سبز بی‌احترامی می‌کردند، ایجاد هراس کردند (Samath, ۱۹۹۸).

در اندونزی با وجود اینکه دولت مرکزی به شهروندان خود آزادی زیادی نداده است، اما سازمانهای غیردولتی زیست محیطی موفقیت‌های قابل توجهی را کسب کرده‌اند، که به وضوح به تغییر روش‌های دولت مرکزی با در نظر گرفتن محیط زیست منجر شده است (Gordan, ۱۹۹۸).

سازمانهای غیردولتی قزاقستان که بر روی مسائل زیست محیطی متمرکز شده‌اند، بر روی سیاست‌های دولتی اثرات فزاینده‌ای دارند. نورسلطان نظربایف رئیس‌جمهور قزاقستان هرچند تحمل کمی برای مخالفان سیاسی از خود نشان می‌دهد اما با این حال به نگرانی‌های فعالان زیست محیطی توجه فزاینده‌ای از خود نشان داده است. تأثیر سازمانهای غیردولتی در این کشور به آنجا رسیده است که مقامات رسمی در زمان تدوین قوانین زیست محیطی نظرات فعالان را دنیال و در قوانین اعمال می‌کنند (Karakulova, ۲۰۰۳).

شارما و همکاران در مورد ساخت جاده‌های کوهستانی با مشارکت سازمانهای غیردولتی و جامعه محلی که موجب کاهش هزینه‌ها، کارمهوری و از بین رفتن خطرات زیست محیطی می‌شود بحث کرده‌اند. حداقل شیب و حفظ پوشش گیاهی، مدیریت مناسب آب، ساخت جاده در یک مرحله بر اساس سازمانهای غیردولتی در بسیج اجتماعی درگیر شدند (Sharma & Maskay, ۲۰۰۷).

در مالزی اهمیت آموزشهای عمومی و آگاهی بوسیله سازمانهای غیردولتی به عنوان بسیج اجتماعی به طور مداوم در حال افزایش است و سبک زندگی دولت‌مندان در میان شهروندان متداول است. گروه‌های آموزش و حفاظت از محیط زیست مدت‌های مدیدی است که با دولت و اعتباردهندگان پروژه‌ها برای اجرای سیاستهای زیست محیطی پایدار مذاکره می‌کنند و در برابر مدیریت محیط زیست پاسخگو هستند و بطور همزمان عموم مردم را نیز آموزش می‌دهند. بدون وجود مؤلفه آموزش، این سازمانها در مذاکره برای تغییر سیاستهای دولتی و ادراکات عمومی موفق نیستند.

## سازمانهای غیردولتی در هند

در هندوستان بر خلاف وجود مقررات حفاظت از محیط زیست در قانون اساسی و بسیاری از قوانین مدون، تخریب محیط زیست همچنان ادامه دارد. مهم‌ترین علت آن عدم اجرای مؤثر قوانین گوناگون است. ظهور سازمانهای غیردولتی در هند نشان‌دهنده یک واکنش سازمان یافته توسط اجتماعات مدنی است بویژه در جاییکه دولت در تحقق آن با شکست مواجه شده است. اهمیت آگاهی عمومی و درگیری این تشکلهای در حفاظت از محیط زیست در سراسر جهان تأیید شده است. این سازمانها در هند گام‌هایی را در توسعه مباحثات و مذاکرات در خصوص حفاظت از محیط زیست خارج از حوزه رسانه‌های عمومی و سیستم‌های آموزشی برداشته‌اند. مدافعه و آگاهی در ترویج مفاهیمی مانند توسعه پایدار، حفاظت از منابع طبیعی و احیای اکوسیستم‌ها بسیار مهم است. سازمانهای غیردولتی در هند می‌توانند سیاست‌گذاران را درباره نیازها و اولویت‌های محلی حساس بسازند. آنها اغلب می‌توانند منافع فقرا و اکوسیستم‌ها را به عنوان یک کل به سیاست‌گذاران منتقل سازند و در فراهم آوردن امکانات آموزشی در سطوح دولتی و اجتماعی به ایفای نقش پردازند. آنها می‌توانند در تحقیقات محیط زیست و توسعه و انتشار نتایج آن بطور قابل توجهی مشارکت کنند.

گوپتا (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان نقش سازمانهای غیردولتی در حفاظت از محیط زیست: مطالعه موردی در لودھیانای پنجاب چنین عنوان کرده است که سازمان‌های جوامع مدنی نقش پیشگیرانه‌ای را در نظارت محیط زیست جهانی ایفا می‌کنند. نقش سازمانهای غیردولتی و دیگر جوامع مدنی با تشویق به مشارکت عمومی در مدیریت محیط زیست بواسطه قانون‌گذاری در سالهای اخیر تقویت شده است. چهار نوع مشارکت بوسیله سازمانهای غیردولتی زیست محیطی وجود دارد: (۱) مشارکت در تصمیم‌گیری (۲) در اجرا (۳) در منافع و (۴) در ارزیابی. در میان همه این کارکردها تسهیل انتشار اطلاعات زیست محیطی از دیگر جنبه‌ها مهم‌تر بوده است. خواه به عنوان ناظران سیاست‌های دولتی و فعالیت‌های صنعتی یا بطور غیرمستقیم آموزش کارآفرینان و مصرف‌کنندگان (Gupta, ۲۰۱۲).



سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی پنج نقش عمده در نظارت بر محیط زیست جهانی ایفا می‌کنند، (۱) جمع‌آوری، انتشار و تحلیل اطلاعات (۲) فراهم کردن درونداد دستور جلسات و فرایندهای توسعه سیاسی (۳) اجرای وظایف عملیاتی (۴) ارزیابی وضعیت محیط زیست و نظارت بر مطلوبیت با توافقات زیست‌محیطی (۵) دفاع از حقوق محیط زیست (Gemmill & Bamidele-Izu, ۲۰۰۲).

کراالا ساستراساهیتایا در سال ۱۹۶۲ برای حفاظت از محیط‌زیست در تریسو، ارائه مدل‌های جایگزین برای توسعه و عامی کردن علوم در میان مردم به وجود آمد. این سازمان در زمینه توسعه اقتصادی، ایجاد آگاهی در مورد حفاظت از انرژی و آب و تشویق استفاده از منابع انرژی غیرمتعارف فعالیت می‌کرد.

کالپاوریش در سال ۱۹۷۹ به عنوان یک گروه داوطلبانه بوجود آمد که بر روی آموزش‌های زیست‌محیطی، تحقیقات، مبارزات انتخاباتی کار می‌کند. کالپاوریش اعتقاد دارد که اگر عدالت اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی تضمین شود، کشور می‌تواند به مقدار قابل توجهی توسعه یابد. به این منظور فعالیت خود را بر روی حفاظت از تنوع زیست‌محیطی، به چالش کشیدن فعالیت‌های مخرب زیست‌محیطی کنونی، کمک به تحقیقات برای ایجاد روش‌های جایگزین توسعه و امرار معاش، کمک به مردم محلی برای توانمندسازی آنان در جهت مدیریت منابع طبیعی پایدار و به وجود آوردن حس برابری با طبیعت متمرکز ساخته است.

مرکز علم و محیط‌زیست (CSE) در سال ۱۹۸۰ در دهلی نو به عنوان یک سازمان مدافع منافع عمومی و مستقل شروع به کار کرد که هدف آن افزایش آگاهی‌های عمومی در مورد توسعه، تکنولوژی، محیط‌زیست و توسعه است. این سازمان به طور فعال در جستجوی راه‌حلهایی است که توسط خود مردم و جوامع پیاده شود، به چالش کشیدن هند برای مواجه شدن با این مسائل، الهام بخشیدن به آنها برای اقدام، وارد آوردن فشار به دولت برای ایجاد چارچوب‌هایی برای مردم و جوامع که در آن درگیر شوند، از دیگر اقدامات این سازمان است.

اکسنورا سازمانی در چنای است که در فعالیت‌های گوناگونی مانند درگیر ساختن مردم محلی برای جمع‌آوری آب باران، مدیریت مواد زائد جامد شهری به وسیله تهیه ورمی‌کمپوست و..... متمرکز شده است. آنها فعالیت‌های خود را در بخش‌های مختلف کشور گسترش داده‌اند (Ahmed & Jamwal, ۲۰۰۳).

تارون بارات سانگ (TBS) یک سازمان غیردولتی است که در احیای دوباره رودخانه آراواری بعد از ۱۵ سال تلاش موفق شد. فعالیت‌های این سازمان شامل وارد ساختن ذی‌نفعان در اجتماعات محلی بود که تصمیماتی در مورد استفاده صحیح از آب و کشت محصولات می‌گرفتند. آنها در مورد موفقیت برای مردم به وسیله مردم بحث می‌کردند (Sebastian, ۲۰۰۰).

## سازمان‌های غیردولتی در آمریکا

بحث‌های مطرح شده در اواخر قرن ۱۹ در خصوص حفاظت از محیط‌زیست در آمریکا همچنان ادامه دارد. ۴۰ سال بعد از اولین روز زمین حرکت جنبش‌های زیست‌محیطی همچنان به قوت خود باقی است. مضمون جنبش‌ها از حفاظت از طبیعت به پیشگیری از آلودگی، عدالت زیست‌محیطی و توسعه پایدار تغییر یافته است. تعداد سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی از سال ۱۹۹۶ به بیش از ۵۰۰۰ در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است. غالباً هر شهروند آمریکایی از مسائل زیست‌محیطی آگاه است و تفکر زیست‌محیطی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی توسعه یافته است. جنب و جوش و انرژی جنبش‌های زیست‌محیطی آمریکا از تنوع و حمایت عمومی گسترده از آنها ناشی می‌شود. با این وجود، بر اساس تئوری بسیج منابع، تجمیع منابع در جهت جنبش‌های زیست‌محیطی، شامل حمایت‌های عمومی، دانش مسائل زیست‌محیطی، منابع مالی و تخصصی محیط‌زیست، عمدتاً توسط سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی جمع شده و بسیج می‌شوند. سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی، سازمانهایی رسمی‌اند که بر اساس اهدافشان از محیط زیست حفاظت می‌کنند. سازمانهای غیردولتی مسائل زیست‌محیطی را شناسایی می‌کنند، راه‌حلها را می‌یابند و سپس نتایج را ارائه می‌دهند و با دیگر بخش‌های اجتماع برای حل چالش‌های جهانی صنعتی مشارکت می‌کنند (Rong, ۲۰۱۱).

گروه بزرگی از سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی که در حال حاضر در آمریکا فعال هستند، با ظهور جنبش‌های مدرن زیست‌محیطی تأسیس شدند از جمله بنیاد حمایت از محیط‌زیست (۱۹۶۷)، رشد جمعیت صفر (۱۹۶۸)، دوستان زمین (۱۹۶۹)، اتحادیه دانشمندان نگران (۱۹۶۹)، شورای دفاع از منابع طبیعی (۱۹۷۰)، سازمان صلح سبز (۱۹۷۱) و شهروند عمومی (۱۹۷۱). یکی از نقاط تمرکز این سازمانها در سالهای اولیه آلودگی و عدالت زیست‌محیطی بود. آنها در مورد انسانها، جانداران و گیاهانی که از آلودگی آسیب دیده بودند



گفتگو می کردند و با توجه به ارتباط بین انسان و طبیعت، تغییرات سیاسی، فرهنگی، سبک زندگی و نهادی را دنبال می کردند (Rong, ۲۰۱۱).

جنبش اولیه زیست محیطی در سال ۱۹۷۰ به اوج خود رسید، زمانی که ۲۰۰ هزار نفر در پارک ملی واشنگتن دی سی همراه با تظاهرات سراسر کشور جمع شدند. افراد، سازمانهای غیردولتی و حتی شرکت های بزرگ این رویدادها را برای بیان نگرانی هایشان در مورد محیط زیست، تقاضا برای کنترل و از بین بردن آلاینده ها و مواد زائد، نیاز به سیاست های زیست محیطی تدوین شده، تقاضا برای تجارت پاسخگو در برابر سلامت عمومی و محیط زیست و تحقیق در مورد پایداری روش زندگی آمریکایی به کار بردند.

اولین روز زمین یک نقطه اوج بود، زمانی که جنبش های زیست محیطی وارد سیاست شدند و همراه با افزایش توجه به پیامدهای آلودگی و مسائل زیست محیطی شهری، جنبش های زیست محیطی به تدریج حمایت گسترده ای را از جانب طبقه متوسط جامعه به دست آوردند، همراه با افرادی که در طبقه کارشان درگیر پیامدهای زیست محیطی بودند (Rong, ۲۰۱۱).

در پاسخ به نگرانی های عمومی مردم در خصوص محیط زیست، در اولین روز زمین، دولت فدرال مسائل زیست محیطی را در دستور کار خود قرار داد. آژانس حفاظت از محیط زیست (EPA) در سال ۱۹۷۰ بنیانگذاری شد و ۱۴ قانون از سال ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۷۷ در خصوص آب، هوا، کنترل آلودگی مواد زائد، مدیریت منابع طبیعی و بهبود کیفیت محیط زیست در آن به تصویب رسید. با تأسیس آژانس حفاظت از محیط زیست (EPA) و تنظیم مجموعه ای از قوانین، مقررات و سیاست های زیست محیطی، مجموعه ای از نهادهای زیستی محلی نیز شروع به فعالیت کردند.

با وجود این پیشرفت، مسائل زیست محیطی همچنان در حاشیه دستور کار دولتی بودند و مطالبات زیست محیطی در مقابل منافع اقتصادی کوتاه مدت در معرض خطر بودند.

فعالیت دولت در مورد مسائل زیست محیطی در طول سال های ۱۹۸۰ کند شد زمانی که ریگان و بوش رویکرد حذف نظارت دولت بر محیط زیست را پذیرفتند و تلاش کردند محیط کسب و کار مطلوب تری را برای تسهیل رشد اقتصادی ایجاد نمایند. کناره گیری دولت، سازمانهای غیردولتی زیست محیطی را برای اتخاذ رویکردهای مختلف به منظور حفظ نگرانی مردم در مورد مسائل زیست محیطی از جمله اقامه دعوی زیست محیطی و مبارزه مستقیم با آلاینده های شرکت های بزرگ بسیج کرد.

در این ضمن، گروه های عدالت زیست محیطی با آغاز سال ۱۹۸۰ با هدف گفتگو با جوامع بومی، اسپانیایی، آمریکایی و آفریقایی و دیگر گروه های اقلیتی که فشار مضاعفی را از مواد زائد خطرناک و آلاینده ها متحمل می شدند، شروع به پایه گذاری کردند.

ایجاد قوانین، مقررات و سیاست های زیست محیطی در همه سطوح محلی، ایالتی و فدرال یک گروه از نهادهای زیست محیطی را شکل داد.

با فعالیت دولت و سازمانهای غیردولتی بسیاری از شهروندان آمریکایی در پایان سال ۱۹۸۰ با افکار زیست محیطی آشنا شدند. از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ تعداد اعضا و بودجه سالیانه ده سازمان غیردولتی زیست محیطی بزرگ در آمریکا رشد قابل توجهی کرد. از ۳/۳ میلیون به ۷/۲ میلیون و از ۲۱۸ میلیون دلار به ۵۱۴ میلیون دلار رسید. در سال ۱۹۶۴ زمانی که جنبش های زیست محیطی شروع شدند، ده سازمان مذکور کمتر از ۵۰۰ هزار نفر عضو و کمتر از ۱۰ میلیون دلار در سال بودجه داشتند.

طرفداران محیط زیست از دهه ۱۹۹۰ شروع به اعمال نفوذ بر سیاست اجتماعی کردند. طبق آمار در این دهه ۸۰ درصد آمریکاییها و بیش از دو سوم اروپائیان خود را طرفدار محیط زیست می دانسته اند (کاستلر، ۱۳۸۰).

شبکه سازمانهای غیردولتی زیست محیطی به سرعت بعد از سال ۱۹۹۰ در سطح محلی و بین المللی گسترش یافت و این سازمانها به انجام تحقیقات علمی پرداختند.

در انجمن سازمانهای غیردولتی زیست محیطی، نوعی واگرایی از نظر رویکرد مناسب برای بسیج در راستای حفظ محیط زیست به وجود آمد. در حالی که سازمانهایی مانند EDF, NRDC, NAS و باشگاه سیرا لابی گری اقامه دعوی را برای تسهیل تصویب قوانین و مقررات زیست محیطی به عنوان اصلی ترین استراتژی خود برگزیدند، سازمانهایی مانند صلح سبز جهانی دست به اقدامات مستقیمی همچون سازماندهی مخالفان بر ضد صید نهنگ، آزمایشات هسته ای و آلودگی های ناشی از فعالیت های بخش تجاری زدند و سعی کردند حمایت عمومی را بوسیله ارائه تصاویر روشن از اعتراضات جلب کنند.

سرعت جهانی شدن اقتصاد از سال ۱۹۹۰ با پایان جنگ سرد و توسعه شبکه جهانی وب افزایش یافت. با فرایند جهانی شدن اقتصاد، رشد قابل توجهی در شرکت های فراملیتی و همکاری بین المللی در مسائل زیست محیطی بوجود آمد.



از سال ۱۹۹۰، نفوذ جهانی سازمانهای غیردولتی به طور قابل توجهی افزایش یافت. مسائل زیست‌محیطی و آگاهی در مورد آن در کشورهای در حال توسعه افزایش یافت و به سازمانهای غیردولتی محلی فرصت بروز و ظهور داد. تعداد زیادی از این سازمانهای بزرگ مانند NRDC و حفاظت از طبیعت که در آمریکا مرکز دفتری داشتند در جنوب نیز دفاتری را تأسیس کردند و با سازمانهای غیردولتی در این کشورها شروع به همکاری کردند (Rong, ۲۰۱۱).

یکی دیگر از مسائلی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که برخی از سازمانهای غیردولتی مانند EDF و صندوق جهانی حیات وحش (WWF) رهیافتی بازارمحور را در راستای پیامدهای زیست‌محیطی اتخاذ نمودند. آنها با شرکتها کار می‌کنند و سعی می‌کنند تغییراتی را در بازار جهانی ترویج دهند. از سوی دیگر، بسیاری از سازمانهای غیردولتی همچنان یک مقابله سنتی را با شرکتها دنبال می‌کنند، چرا که از دید آنها تخریب محیط زیست ویژگی ذاتی کسب و کار است که نیاز دارد از نزدیک توسط جامعه مدنی مورد توجه قرار گیرد.

همراه با افزایش همکاری‌های بین‌المللی در زمینه محیط‌زیست، سازمانهای غیردولتی و گروه‌های مردمی در آمریکا رشد کردند. در مقایسه با سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی ملی که در واشنگتن دارای دفتر هستند و با قانونگذاران عمارت پارلمانی ایالتی گفتگو می‌کنند، سازمانهای غیردولتی مردمی که اعضای کمتری دارند، روی مسائل زیست‌محیطی محلی و مشارکت شهروندان تمرکز می‌کنند و اغلب یک استراتژی کاری مستقیم دارند. به عنوان مثال RESTORE چوب‌های شمال بر روی حفاظت از جنگل و حیات وحش در انگلستان متمرکز است و فعالیت انجمن آلاسکا در مورد سموم که از عدالت و سلامت محیط زیست در جوامع محلی حمایت می‌کند (Rong, ۲۰۱۱).

در سال ۱۹۹۲، ۱۷۲ دولت، ۱۰۸ رهبر ایالتی و ۲۴۰۰ سازمان غیردولتی زیست‌محیطی در کنفرانس توسعه و محیط زیست آمریکا (اجلاس زمین در ریو) حضور یافتند. این کنفرانس توسعه پایدار را به طور رسمی به عنوان هدف اقتصاد مدرن بین‌المللی، که شکاف مابین شمال و جنوب را در مورد حفاظت از محیط زیست و توسعه اقتصادی را پوشش می‌داد، پذیرفت. در نشست جهانی توسعه پایدار ژوهانسبرگ در سال ۲۰۰۲، ۱۲ معاهده بین‌المللی توسط ۱۵۰ کشور امضا شد که موضوعات کاهش لایه اوزون، تغییرات اقلیمی، زباله‌های سمی، تنوع زیستی و حفاظت از حیات وحش، بیابان‌زایی و آلاینده‌های آلی پایدار را پوشش می‌داد.

نیم قرن گذشته جنبش‌های زیست‌محیطی در آمریکا فراز و فرود زیادی داشته است. با تلاش بی‌پایان شهروندان، سازمانهای غیردولتی و دولت‌ها، در حال حاضر آگاهی زیست‌محیطی به مردم داده شده است. در سال ۲۰۰۰ بیش از ۵۰۰۰ سازمان غیردولتی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی در حال کار بودند. جنبش‌های زیست‌محیطی به دلیل تنوع زیاد و حمایت مردم پایدار مانده‌اند. هرچند چالش‌های زیست‌محیطی شدید، بزرگ‌مقیاس و در عین حال حل نشده با وجود جنبش‌ها، همچنان به قوت خود باقی مانده‌اند (Rong, ۲۰۱۱).

### اثرگذاری سازمان‌های غیردولتی بر پیشگیری از آلودگی محیط‌زیست

سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی در سراسر جهان از ابزارها و شیوه‌های مختلفی در حفاظت از محیط‌زیست و پیشگیری از آلودگی محیط‌زیست استفاده کرده‌اند و به نتایج چشمگیری نیز در این زمینه دست یافته‌اند. در زیر به تعدادی از این روشها اشاره می‌شود.

#### ارزیابی اثرات زیست‌محیطی کالاها

سازمانهای غیردولتی کالاها و خدمات خود را بر اساس کارایی و اثرات زیست‌محیطی رتبه‌بندی می‌کنند. عقیده آن است که مصرف‌کنندگان می‌توانند انتخاب کنند کدام محصولات یا مارک‌ها را خریداری کنند. برای مثال بسیاری از سازمانهای مصرف‌کنندگان در بیان مأموریت‌هایشان تعهد به پایداری را پذیرفته‌اند از جمله در آلمان، استرالیا، سوئد، نروژ، هلند و ارزیابی خود از محصولات را به وسیله مجلات، وبسایتها و دیگر نشریات به مصرف‌کنندگان انتقال می‌دهند (Kong et al., ۲۰۰۲).

#### عرضه محصولات و خدمات سبز

سازمانهای غیردولتی در حال توسعه و طراحی محصولاتی هستند که اثرات زیست‌محیطی مصرف را به حداقل برسانند. به مصرف‌کننده یک جایگزین مصرفی پایدارتر ارائه می‌شود و این انتخاب قدرتمند تلقی می‌شود. برای مثال، WWF در بخش خرده‌فروشی، محصولات غذایی پایدار را ارائه می‌دهد. همچنین با بخش غذا برای طراحی منوی هفتگی و یک ظرف غذای دائمی همکاری می‌کند. این انتقادات در سوئیس در افزایش تقاضا برای محصولات ارگانیک مؤثر بوده است (Kong et al., ۲۰۰۲).

#### تمرکز بر روی نیروهای بازار





ایجاد تقاضای سبز، منجر به تغییر در عرضه خواهد شد. سازمانهای غیردولتی اطلاعاتی را به وسیله برچسبها ارائه می‌کنند که مصرف‌کننده را برای انتخاب آگاه می‌سازد. برای مثال WWF برای طراحی برچسب با شرکت‌ها به منظور کمک به راه‌اندازی مؤسسات صدور گواهینامه مستقل همکاری می‌کند. انجمن نظارت جنگل (FSC) در سال ۱۹۹۳ برای حمایت از جنگل‌های جهان به وسیله اتحادیه سازمانهای غیردولتی، مؤسسات تجاری و سازمانهای دولتی تأسیس شد. WWF و Unilever شورای نظارت دریایی را به منظور ایجاد طرح صدور گواهینامه برای ماهیگیری پایدار راه‌اندازی کردند (Kong et al., ۲۰۰۲).

### تشکیل شبکه‌های گسترده از ذی‌نفعان مختلف

سازمانهای غیردولتی به همکاری با دیگر سازمانهای غیردولتی و مؤسسات تجاری پرداختند تا مسائل را به طور پُررنگ نشان دهند و به طور مشترک راه‌حل‌ها را جستجو نمایند. برای مثال شبکه خرید سبز (GPN) خرید سبز را در میان مصرف‌کنندگان، مؤسسات تجاری و دیگر سازمانهای دولتی در ژاپن ترویج می‌دهد. ۲۱۵۰ عضو در سونی، فوجی، تویوتا، هوندا، کنون، میتسوبیشی و ..... دارد (Kong et al., ۲۰۰۲).

### شرکای تجاری

در گذشته انسان‌دوستی، مهم‌ترین محرک برای همکاری با سازمانهای غیردولتی بود. موج جدید همکاری متفاوت است. روند حاضر به سمت همکاری‌های استراتژیک با هدف مورد توجه قرار دادن اثرات درونی و بیرونی فعالیت‌های شرکت‌های بزرگ است. مشارکت سازمانهای غیردولتی و اتحادیه‌های کارگری آنها را در تصمیماتی که بر روی عملیات شرکت‌ها اثر می‌گذارد، درگیر می‌سازد. در نتیجه، اگر شرکت‌ها بیشتر به دنبال آن باشند که با سود خود چه کاری انجام دهند تا اینکه چگونه سود را به دست بیاورند، پاسخگویی اجتماعی افزایش می‌یابد (Bendell, ۲۰۱۰).

یک روند قابل توجه این بوده است که سازمانهای غیردولتی توسعه، توسعه پایدار را در میان دیگر شرکت‌ها ترویج دهند. به عنوان مثال سازمان غیردولتی بریتانیا به نام بنیاد Fairtrade یک پروژه آزمایشی را برای کمک به شرکت‌های در حال توسعه برای ارتباط با دیگر ارائه‌دهندگان آغاز کرد. ابتکار دیگر در سال ۱۹۹۸ با یک دستورالعمل گسترده‌تر و با پشتوانه دولت انگلستان آغاز شد. ابتکار تجاری اخلاقی (ETI) شبکه‌ای از شرکت‌ها، سازمانهای غیردولتی و سازمانهای اتحادیه‌های کارگری در حال کار با یکدیگر است که در شناخت و ترویج عملیات کاری مناسب از جمله نظارت و بازبینی مستقل فعالند. تعدادی از اعضا آن شامل سوپرمارکت‌های زنجیره‌ای جی سنسبری و تسکو، فعالان صنعت پوشاک لوی اشتراوس و گروه پنتلند و گروه ذخیره کودکان و Oxfam می‌باشد. سازمانهای غیردولتی در حال کمک به ایجاد سیستم‌های صدور گواهینامه هستند که به شرکت‌ها کمک می‌کند تا نظارت و ارزیابی کنند و بهترین عملیات اجتماعی و اقتصادی را ارتباط دهند.

سازمانهای غیردولتی به برقراری سیستم‌های گواهینامه‌ای شرکت‌ها برای نظارت، سنجش و برقراری ارتباط بین بهترین عملیات اجتماعی و زیست‌محیطی کمک می‌کنند.

به عنوان مثال WWF یک سازمان غیردولتی زیست‌محیطی است که به FSC در اعتباربخشی، صدور گواهینامه و برچسب زدن طرح‌هایی که محصولات را تأیید می‌کنند، کمک می‌کند. به جای انتظار برای موافقت‌نامه‌های تنظیم‌شده زمان‌بر، یک سازمان غیردولتی در ایجاد سازمانی جدید برای حرکت صنعت به سمت پایداری پیش‌قدم می‌شود (Kong et al., ۲۰۰۲).

### جنبش سبز در ایران: مناقشه‌ای در وجود یا عدم وجود آن

اکنون با گذشت مدت زمان قابل توجهی از تشکیل سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی در ایران آیا می‌توانیم بگوئیم که در کشورمان جنبشی به نام جنبش اجتماعی سبز داریم؟ جنبش اجتماعی یکی از انواع «رفتارهای جمعی» است. رفتار جمعی پاسخ عده‌ای از مردم به یک وضعیت یا مسأله‌ای خاص است. این رفتارها در جامعه به شکل‌های گوناگونی تجلی می‌یابد و تنها یکی از آنها به شکل جنبش اجتماعی است. به نظر می‌رسد جنبشی به نام جنبش سبز در ایران وجود ندارد. چراکه حرکت جمعی طرفداران محیط‌زیست در ایران وقتی یک جنبش محسوب می‌شود که توانسته باشد حداقلی از ویژگی‌های مشترک در جنبش‌های اجتماعی جدید را به دست آورد. از منظر جامعه‌شناختی سه ویژگی ذیل حداقل‌هایی است که در تمام جنبش‌هایی که تا کنون اتفاق افتاده قابل ردیابی است. اول:



جنبش‌های اجتماعی از شبکه‌های غیررسمی (عمدتاً غیرحکومتی) از روابط متقابل میان تعدادی از افراد، گروه‌ها و سازمان‌های فعال تشکیل می‌شوند. دوم: جنبش‌های اجتماعی از طریق یک گفتمان آگاهی‌بخش در حامیان خود، روشنگری، هویت، شور و امید برای رسیدن به هدفی مشترک ایجاد می‌کنند. سوم، جنبش‌های اجتماعی در فرایند تغییرات اجتماعی (تغییر وضع تبعیض‌آمیز موجود) از لحاظ سیاسی یا فرهنگی با مخالفان خود حتی اگر در حکومت سنگر گرفته باشند وارد مبارزه و آماده پرداخت هزینه می‌شوند (جلائی‌پور، ۱۳۸۴).

به نظر می‌رسد هنوز در ایران زمینه نارضایتی عمومی در مسائل زیست‌محیطی وجود ندارد و گفتمان سبز در ایران گسترش پیدا نکرده است. برخی از سازمانهای غیردولتی محیط‌زیست حتی دیگر در مراسم درختکاری هم شرکت نمی‌کنند، جایی که حضور اعضاء این نوع سازمانها مورد انتظار نمی‌باشد. یکی از ایراداتی که به سبزه‌ها در دنیا گرفته می‌شود عدم ارائه رهنمود در رابطه با طرز انتقال از جامعه موجود به سوی جامعه‌ای سبز و آینده‌پاکیزه و قابل دوام است. «درک وال» در کتاب رسیدن به مقصود می‌نویسد جنبش سبزه‌ها، ماکیاولی‌ها، لنین‌ها و گاندی‌های خودش را ندارد. سبزه‌ها نیازمند نظریه سیاسی‌اند، باید حرفشان هم در باب وسایل و اهداف روشن باشد. باید خوب به این موضوع فکر کنند که ما قرار است چگونه به جامعه‌ای سبز برسیم (شکری و همکاران، ۱۳۸۷).

مسئله دیگر این است که دولتمردان ما هنوز نتوانسته‌اند شکل‌های غیردولتی را در کنار خود ببینند. حتی روزنامه‌ها نیز مسائل زیست‌محیطی را مسائل حاشیه‌ای می‌انگارند. امروز در حدود ۴۲۰ شکل زیست‌محیطی در سراسر کشور مشغول فعالیت است، شکل‌هایی که نه به لحاظ وجود بسترهای مناسب مشارکت اجتماعی و رشد جامعه مدنی، که تنها به دلیل رشد روزافزون تخریب محیط‌زیست پا به عرصه وجود گذاشته‌اند و نکته تأسف‌آور است که عده‌ای همچنان به افزایش شمار سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی به عنوان برگی از افتخارات خود می‌نگرند در حالی که واقعیت چیز دیگری است. کارکرد این تشکلهای و اقدامات مثبت آنها در حفظ محیط‌زیست می‌توانست در نوع خود بسیار قابل توجه باشد در حالی که متأسفانه این‌طور نیست و اکثریت قریب به اتفاق سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی به نوعی روزمرگی و نخوت ناشی از وابستگی فکری و مالی به بخش‌های دولتی دچار گشته‌اند و نه تنها گام مثبتی در بهبود اوضاع محیط‌زیست کشور بر نمی‌دارند، بلکه با دریافت کمک‌های دولتی، ماهیت واقعی خود را که غیردولتی بودن و استقلال است از دست داده‌اند.

امروزه سازمانهای غیردولتی ما بیش از آنکه در فکر اطلاع‌رسانی صحیح و ارائه راهکارهای مهم اجرایی و آموزشی در جهت ارتقای کیفی و کمی فرهنگ عمومی جامعه باشند یا در این اندیشه‌اند که چگونه از ارگان‌ها و سازمانهای دولتی تأمین بودجه کنند و یا این که برای نزدیک شدن هر چه بیشتر و بهتر به بخش‌های دولتی چطور حیثیت دوستان خود را در بین سایر گروه‌ها را خدشه‌دار کنند. شرکت در همایش‌ها و نمایشگاه‌های مختلف همچون نمایشگاه بین‌المللی محیط‌زیست نیز برای عده‌ای از آنها به عنوان یک تفریح تبدیل شده، بدون آنکه دستاورد و رهاورد جدیدی برای ارائه داشته باشند. نکته بعدی این است که شبکه غیررسمی از روابط متقابل میان سازمانهای غیردولتی در ایران دیده نمی‌شود. شاید اگر همه تشکلهای زیست‌محیطی در زیر یک چتر واحد و با یک شعار واحد و به دور از هرگونه اختلافات بی‌دلیل و بی‌پایه و اساس و با حفظ صد در صد استقلال خود قرار می‌داشتند و خواسته خود را به صورت جمعی مطرح می‌کردند هم گره‌ای از تار و پود به هم تنیده محیط‌زیست کشور باز می‌شد و هم مسئولین مجبور می‌شدند تا بعد از این حقوق به حق سازمانهای غیردولتی را در قالب مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های موردی لحاظ کنند.

نکته دیگری که از مشکلات جدی سیاسی سازمانهای غیردولتی است، نظارت و کنترل شدیدی است که به صورت پنهان بر فعالیت و حمایت این سازمانها وجود دارد و آنها را در تصمیم‌گیری و عمل دچار تردید یا خودسانسوری می‌کند. جالب توجه است که این خودسانسوری در سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی بیشتر است. زیرا عاملان تخریب و آلودگی محیط‌زیست کشور ما اکثراً صنایع و پروژه‌های بزرگ عمرانی هستند و اغلب وابسته به نهادهای دولتی و حکومتی می‌باشند و اعتراض جدی به آنها می‌تواند بقای این سازمانها را به خطر اندازد (شکری و همکاران، ۱۳۸۷).

## نتیجه‌گیری و پیشنهادات

همانطور که از تجربیات کشورهای مختلف در سراسر جهان برمی‌آید، سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی در عرصه‌های مختلف منشأ اثرات بزرگی بوده‌اند و از قابلیت‌های بسیاری در این حوزه برخوردارند. در کشور ایران هرچند در سال‌های اخیر به علت ایجاد بستر مناسب در جامعه برای جلب مشارکت‌های مردمی و فعالیت جامعه مدنی، تعداد سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی به لحاظ کمی



افزایش یافته است، اما باید توجه داشت با وجود افزایش تعداد این سازمانها، رشد کیفی آنها قابل توجه نبوده و اثربخشی آنها در عرصه عمل چندان چشم‌گیر و فراگیر نبوده است و نقش کلی آنها بر بهبود کیفیت زندگی مردم محدود بوده است. حتی زمانی که مؤثر عمل کرده‌اند برنامه‌هایشان گاهی اوقات کوچک‌تر از آن بوده است که اثر معناداری در سطح ملی داشته باشد.

از طرفی مصداق‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد فعالیت‌های بعضی از این سازمانها تکراری و نسخه‌برداری از برنامه‌های دولت است تا اینکه تکمیل‌کننده تلاش‌های دولت باشد. مسأله مهم دیگر در رابطه با پایداری آنهاست. ظرفیت بعضی از این سازمانها به مرور تحلیل می‌رود زیرا تأمین منابع آنها محدود است و ضعف ساختاری و نهادی دارند. به طور کلی نقش این سازمانها در برنامه‌های کاهش فقر و توسعه همچنان محدود است.

نگاهی به محورهای اصلی فعالیت سازمانهای غیردولتی زیست‌محیطی در ایران که اکثراً آگاه‌سازی و آموزش است، نشان‌دهنده این واقعیت است که آنها از فعالیت‌هایی که می‌تواند به نحوی با امور مخاطره‌آمیز سیاسی مرتبط باشد، به جد پرهیز می‌کنند یا نگرانند تا مبدا از خواسته‌هایشان یا اعتراضاتشان تعبیر و برداشت سیاسی شود.

به همین جهت لازم است که زمینه و بستر مناسبی از سوی دولتها برای فعالیت اینگونه تشکلهای فراهم شود، بگونه‌ای که زمینه گفتمان دوطرفه میان این سازمانها و دولت ایجاد شود و این سازمانها بتوانند مطالبات خود را بیان نموده و اثرات زیست‌محیطی بسیاری از برنامه‌های توسعه را به روشنی گوشزد نموده و از طریق تعامل دوسویه با دولت بهترین راه‌حل ممکن برای تأمین نیازهای نسل حاضر بدون وارد آوردن آسیب به منافع نسل آتی طراحی شود و از قابلیت‌های این تشکلهای در حفظ و حراست از منابع طبیعی این سرزمین حداکثر بهره‌برداری به عمل آید.

رسانه‌های عمومی نیز مؤظفند بخشی از برنامه‌های خود را به فعالیت این تشکلهای اختصاص داده و در معرفی آنها و انتقال دغدغه‌ها و نگرانی‌هایشان به مردم و سیاست‌گذاران گامی مثبت بردارند.

در مجموع باید گفت، ثمربخشی فعالیت‌های تشکلهای غیردولتی در این زمینه نیاز به سرمایه‌گذاری‌ها، امکانات، مطالعات جدی و افرادی با عقیده محکم و از خودگذشته دارد و از همه مهمتر این که نیاز دارد تا از سوی عامه مردم جدی گرفته شود.

این تشکلهای باید با پرهیز از گزافه‌گویی و افراط در شعار دادن و از طریق ارائه دلائل علمی متقن نسل جوان را نسبت به مسائل زیست‌محیطی حساس نموده و از نیروی آنان در فرهنگ‌سازی عمومی استفاده نمایند.

با این اوصاف می‌توان گفت هواداران محیط‌زیست نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان راه بسیار پرفراز و نشیبی را در پیش‌رو دارند و شاید سخت‌ترین قسمت مسیرشان هم این باشد که بتوانند به مردم و دولتها بقبولانند مشکلاتی که با آسیب و زیان به وجود خواهد آمد بسیار جدی و خطرناک است و آنها را وادار به تفکر جدی در باب این خطرات پنهان کنند.

## منابع

- بلمکی، ب. (۱۳۸۳)، بررسی نقش سازمانهای غیردولتی محیط‌زیست در اجرا و تدوین مبانی توسعه پایدار در برنامه سوم توسعه کشور، جلد پنجم، مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه.
- جلالی‌پور، ح. (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی، تهران، نشر طرح نو.
- رجب‌زاده، م. (۱۳۸۷)، جلب مشارکت مردم در محیط‌زیست. طرح مدیران سبزاندیش، سازمان حفاظت محیط‌زیست، معاونت آموزش و پژوهش. دفتر مشارکت و آموزش همگانی.
- رشیدپور، ل. (۱۳۸۲)، بررسی و تحلیل عملکرد سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی در سال ۱۳۸۲، دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت از محیط‌زیست.
- رضائی، قوام‌آبادی، م. (۱۳۹۰)، پیشگیری و سرکوب جرائم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمانهای غیردولتی در نظام حقوقی ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۷۵(۷۵): ۱۹۹-۲۲۴.
- شیرینی، م.، شاه‌حسینی، ن.، و طائی، ه. (۱۳۸۹)، ارتقای کیفیت آموزشهای محیط‌زیستی در دوره ابتدائی ایران بر پایه مطالعه تطبیقی-تحلیلی دوره ابتدائی کشورهای انگلستان و آلمان، همایش مهندسی محیط‌زیست، دانشگاه تهران.
- شکری، غ.؛ اسماعیل‌زاده، خ. و رفیعی، م. (۱۳۸۷)، ارزیابی جنبش سبز در ایران، زربار، ۱۲(۶۵-۶۶)، ۲۰۵-۲۱۴.
- کاستلر، م. (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات (جلد دوم)، قدرت و هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نسل نو.



- Ahmed, K., & Jamwal, N. (۲۰۰۳). Garbage your Problem. *Down to Earth*. January ۲۰۰۳, New Delhi. Pp ۴۰-۴۶.
- Allison, M. (۲۰۰۲) 'Into the fire: boards and executive transitions', *Non-profit Management & Leadership*, ۱۲(۴): ۳۴۱-۵۱.
- Bendell, J. (۲۰۰۰). Terms of endearment: Business, NGOs and sustainable development. *Sheffield*, UK: Greenleaf publishing.
- Budak, D. (۲۰۰۵). Behavior & Attitude of Student Toward Environmental Issues at Faculty of Agricultural, Turkey, *Jurnal of Applied Sciences*. pp ۱۲۲۴-۱۲۲۷.
- Code de la consommation, L ۱۴۲-۱, ۲, ۳, ۴ et ۵.
- Code de l'environnement, L ۱۴۲-۱, ۲ et ۳.
- Gemmill, B., Bamidele-Izu, A. (۲۰۰۲). The Role of NGOs and Civil Society in Global Environmental Governance. *Global Environmental Governance*, Yale Center for Environmental Law & Policy, Available at: [http://environment.research.yale.edu/publicationseries/law\\_and\\_policy/۷۸۲](http://environment.research.yale.edu/publicationseries/law_and_policy/۷۸۲).
- Gupta, N. (۲۰۱۲). Role of NGOs in Environmental Protection: A Case Study of Ludhiana City in Punjab, *JOAAG*, ۷ (۲): ۹-۱۸.
- Gordon, J. (۱۹۹۸). NGOs, the Environment, and Political Pluralism in New Order Indonesia, *Explorations in Southeast Asian Studies* ۲: ۴۷-۶۸.
- Jia-nan, C. (۲۰۱۲). Contributions of Environmental NGO to Environmental Education in China, International Conference on Future Computer Supported Education.
- Karakulova, E. E. (۲۰۰۳), Environment: Environmental NGOs in Kazakhstan wielded increasing influence over policy in Kazakhstan. At: <http://www.eurasianet.org/departments/environment/articles/cav۰۷۲۵۰.pr.shtml>.
- Kong, N., Salzmann, O., Steger, U., & Ionescu-Somers, A. (۲۰۰۲). Moving Business/Industry Towards Sustainable Consumption: The Role of NGOs. *European Management Journal*, ۲۰ (۲): ۱۰۹-۱۲۷.
- Morrison, T. H., Lane, M.B. (۲۰۰۶). The Rise and Rise of Environmental NGOs: Unforeseen risks to democratic environmental governance in Australia, Refereed paper presented to the Australasian Political Studies Association Conference
- Rong, Zhu. (۲۰۱۱). Mobilizing for a Green World The Use of Internet as an ENGO campaigning tool in the US, American University, School of International Service, Global Environmental Policy.
- Samath, F. (۱۹۹۸). Environment-Sri Lanka: Top NGO Make Polluters Pay, Inter Press Service, World News, At: <http://www.oneworld.org/ips۲/feb۹۸/pollution.html accessed ۲۵/۹/۲۰۰۳>.
- Sebastian, S. (۲۰۰۰). Arvari Parliament, *The Hindu survey of the Environment* ۲۰۰۰. pp ۱۸۷-۱۹۰.
- Sharma, S & Maskay, M. L. (۲۰۰۷). Community Participation and Environmental Protection in the Construction of Mountain Roads: Promotion of the "Green Road" Approach in Nepal. At: [http://www.unescap.org/tctd/pubs/files/bulletin۶۹\\_c.pdf](http://www.unescap.org/tctd/pubs/files/bulletin۶۹_c.pdf).
- Wright, G., Andersson, K. (۲۰۱۳). Non-governmental organizations, rural communities and forests: a comparative analysis of community-NGO interactions. small-scale forestry, available at: <http://dx.doi.org/۱۰.۱۰۰۷/s۱۱۸۴۲-۰۱۲-۹۲۰۶-۲>